

درخواست جدایی از همسر چشم بادامی

سیما فراهانی



مرد ۴۰ ساله که با وجود داشتن ۲ فرزند از همسر ژاپنی اش به دادگاه خانواده تهران رفت و درخواست جدایی داد.

سجاد ۱۰ سال پیش برای کار به کشور ژاپن رفت و در آنجا برای اولین بار همسر ژاپنی اش به نام مونیکا را دید. آشنایی آنها ادامه داشت تا این که سجاد تصمیم به ازدواج با او گرفت. در آنجا یک جشن ساده برگزار کرد و بعد از مدتی راهی ایران شد تا مونیکا را به خانواده اش نشان بدهد و یک جشن کوچک هم در ایران بگیرد. همه خانواده از دیدن عروس ژاپنی خوشحال شدند جز مادر سجاد. او دوست داشت که عروسش یک دختر ایرانی باشد، اما پسرش عاشق شده بود و آرزو داشت در کنار مونیکا زندگی کند. عروس و داماد عاشق پیشه بعد از برگزاری مراسم، راهی خانه بخت شدند.

سجاد و مونیکا در ایران زندگی خوبی داشتند و گاهی مونیکا به ژاپن می رفت تا سری به خانواده اش بزند. بعد از مدتی هم نخستین فرزندشان متولد شد و زندگی شان را شیرین تر کرد، اما حالا مرد جوان در برابر قاضی دادگاه خانواده نشسته و غرق در افکارش است.

به گذشته برمی گردد به این که این همه در زندگی اش زحمت کشید و حالا متوجه شده که ازدواج با زن ژاپنی بزرگترین اشتباه زندگی اش بوده است. یاد حرف های مادرش می افتد که وقتی موضوع ازدواج او را متوجه شد با وی تماس گرفت، با گریه و زاری خواست تا فکر ازدواج با مونیکا را از سرش بیرون کند. مادرش می گفت اختلاف فرهنگی اجازه نخواهد داد که هر دوی شما روی خوشبختی را ببینید و ای کاش نصیحت های مادرش را گوش می کرد و روزهای قشنگ و تکرار نشدی جوانی اش را در کنار زنی زندگی می کرد که با او خوشبخت بود.

سوال قاضی که می پرسد چرا درخواست جدایی دادی، او را از غرق شدن در افکار پریشان نشانش نجات می دهد. وی در توضیح ماجرای زندگی اش می گوید: من و مونیکا اوایل، زندگی خیلی خوبی داشتیم. هیچ مشکلی در زندگی مان نبود. چون عاشق هم بودیم، اما کم کم شعله های این عشق خاموش شد با این که ۲ فرزند داشتیم، اما من دلم نمی خواست پام را در خانه سردی بگذارم که هیچ شور و هیجانی در آن نیست. هر ۲ فرزند هم شبیه من نیستند و به مادرشان شباهت دارند هم از نظر چهره و هم اخلاق و خصوصیاتشان. وی ادامه می دهد: از صبح تا شب در مغازه بودم و وقتی به خانه می رفتم دوست داشتم مونیکا برایم غذا

بپزد و مانند هر زن ایرانی دیگر منتظر برگشت شوهرش به خانه باشد، اما او و بچه ها غذایشان را خورده و در اتاقشان یا خواب بودند یا مشغول دیدن تلویزیون. من هم مجبور بودم خودم غذا را گرم کنم و در سکوت شام بخورم. پیش از مرگ مادرم بیشتر اوقات به خانه او می رفتم، چون دلم برای غذاهای ایرانی تنگ می شد، مونیکا هم نمی توانست غذای ایرانی بپزد. اما حالا دو سال است که مادرم فوت کرده و بعد از مرگ مادرم من نیز دچار افسردگی شدم. خیلی پشیمانم که حرف های او را گوش نکردم. او راست می گفت من و مونیکا خیلی با هم اختلاف فرهنگی داریم.

وی ادامه می دهد: حدود سه ماه پیش بشدت با هم درگیر شدیم. دعویمان بر سر تربیت فرزندمان بود، چون او دوست دارد آنها با فرهنگ خودش بزرگ شوند و چون من بیشتر وقت ها در خانه نیستم از مادرشان بیشتر حرف شنوی دارند.

وی می گوید: بعد از این که درگیری میان ما بالا گرفت، او قهر کرد و چند روزی با من صحبت نکرد تا این که از من خواست تا برای او و فرزندان بلیت ژاپن بگیرم، گفت می خواهد به دیدن پدر و مادرش برود. من هم برایش بلیت گرفتم و همه ما به ژاپن رفتیم، در آنجا تصمیم به جدایی گرفتیم. مونیکا می خواست با فرزندمان در آنجا بماند و آنها در ژاپن تحصیل کنند. من هم مخالفتی نکردم، به دادگاه ژاپن رفتم و آنجا جدانشدیم بعد از او و کالت نامه گرفتم تا در ایران هم

جدیدی را آغاز کنم. با اظهارات این مرد، قاضی بعد از دیدن پرونده و کالت نامه از سوی زن ژاپنی حکم جدایی را صادر کرد.

نگاه کارشناس

اختلاف فرهنگی ها را جدی بگیرید

وجود تعارضات روحی و روانی زنان یا مردانی که با افراد خارجی ازدواج می کنند، قبل و بعد از ازدواج از درصد بالایی برخوردار است. بنابراین می توان گفت وجود تعارضات روحی و روانی و مشکلات مربوط به آن در این گونه ازدواج ها یکی از عواملی است که نمی توان بسادگی از کنار آن گذشت و تبعات زیادی را در زندگی زوجین در پی دارد.

از طرف دیگر بروز و وقوع این نوع ازدواج و معضلات ناشی از آن می تواند از عوامل تشدید تعارضات روحی و روانی در زنان یا مردانی که با افراد خارجی ازدواج می کنند، باشد و همین عوامل دست به دست هم می دهند و یک زندگی را به ورطه نابودی می کشاند. بنابراین زنان یا مردانی که با اتباع خارجی ازدواج می کنند، باید همه جوانب را در نظر گرفته و بعد از آن تن به این ازدواج ها دهند.

دکتر ابراهیمی مقدم / روانشناس: معمولاً وقتی یک مرد یا زن ایرانی با یک مرد یا زن غیر ایرانی ازدواج می کند، دچار اختلافات فرهنگی زیادی می شوند. هر دو باید پیش از ازدواج به این اختلاف فرهنگی ها فکر کنند و همه جوانب را در نظر بگیرند. آنها باید بدانند همسرشان از کشوری دیگر و با فرهنگی متفاوت است و قرار است با این فرهنگ متفاوت با او زندگی کنند. این تعارضات و حسرتاک فرهنگی، همگی به روح و روان زن یا مرد آسیب می رساند. بروز و تشدید تعارضات روحی و روانی در فرزندان ناشی از ازدواج زنان یا مردان ایرانی بازن یا مرد خارجی نیز یکی از تبعات این گونه ازدواج هاست. عدم تعیین تکلیف هویتی و دیگر مشکلات ناشی از آن باعث ایجاد نوعی تعارض در این فرزندان شده که بتدریج به فشارها و تعارضات روانی تبدیل شود.